

دستآورد ها

از فتوای ناصر مکارم شیرازی

امیرفیض- حقوقدان

از رویدادهای بسیار با اهمیت، فتوای اخیر ناصر مکارم شیرازی است که اهمیت آن را باید در آثار حقوقی و سیاسی آن نسبت به جمهوری اسلامی ملاحظه کرد و به همین دلیل عنوان <دستآوردها> برای این تحریر انتخاب شده است که مقصود، بحث درباره تعلقات به فتوای مزبور است.

فتوای مورد بحث

در اسلام حاکم را مردم انتخاب نمیکنند حاکم را خدا تعیین میکند

آنچه مکارم شیرازی گفته است نقل آیات قرآن و سنت محمد است که عینا در صفحه ۴۸۵ دانه المعارف شیعه درج است، و شاید عنوان فتوا برای آن کمی سبک باشد زیرا فتوا کشف مجهولات و ابهامات از نصوص قرآنی و یاسنت است ولی اظهارات مکارم شیرازی بیان آیات قرآن است.

در مخالفت اسلام با هرگونه انتخابات و از جمله انتخاب حاکم اظهر من الشمس است و اختلافی هم بین شیعه و تسنن نیست. در تحریرات و همچنین درسنگرها به کرات با استناد به آیات مصرحه قرآن و نظر بزرگان اسلام درباره عدم مشروعیت آرای مردم بیان شده است و شاید تازه ترین آنها تحریر <رای اکثریت در نظام جمهوری> که در تاریخ ۲۰۱۴/نوامبر/۲۵ انتشار یافته باشد که امید وارم برای جاوید ایران آسان باشد که آنرا ضمیمه این تحریر نمایند که زحمت رجوع خوانندگانی که در جستجوی دلیل هستند کمتر بشود (با کلیک به روی زیرنویس یا کپی و وصل به اینترنت در تارنمای ۱۴۰۰ سال بخوانید)^۱

اعتبار فتوای مکارم شیرازی

نخستین موضوعی که ملات اصلی این تحریر است، توجه و اثبات موقعیت و نقش فتوای در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

بطوریکه خوانندگان محترم این تحریر آگاه هستند، قانون اساسی جمهوری اسلامی به اجتهاد مراجع مانند مکارم شیرازی اعتباری برابر با دیگر مراتب بنیادی قانون اساسی جمهوری اسلامی از قبیل ایمان به خدا و وحی و امامت داده است بنابراین، معانی و مفاهیم مستعد فتوای مزبور، امری نظری نمیباشد و پایگاه آن قرآن و سنت و قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی دراصل دوم **کرامت و ارزش والای انسان و آزادیهای توام با مسئولیت** را از راه فتوا و تشخیص مراجع دانسته است؛ یعنی مراجع موظفند که با استفاده از قدرت شرعی خود کرامت و ارزش انسانی را حراست و حفاظت کنند و هرگاه که کرامت اسلامی انسان ها مورد تعدی و تجاوز قرارگرفت با فتوای خود حرف آخر را بزنند و این درست همان کاری است که مکارم شیرازی با فتوای خود کرده است.

هم امروز خبررسید که مجلس خبرگان **طرح اهمیت رای را به منزله تفرقه اندازی گرفته است** (مقصود فتوای مکارم شیرازی است).

خیرچنین نیست و ادعا باطله است. اشاعه آیات قرآن و تکلیفی که قانون اساسی و فقه تشیع برای مراجع تقلید ایجاد کرده مانند عمل مکارم شیرازی حفظ و حراست از کرامت اسلامی انسان ها شناخته میشود نه تفرقه.

تأثیر حکم بر موضوع

هرحکمی چه قانونی و یا شرعی و حتی قراردادی تأثیرمستقیم روی موضوعاتی دارد که ازسوب آن حکم، بوجود میآید برهمین اساس کلی، که هیچ حکمی بدون تأثیر و اثرنیست این تحریر مایل است به اتفاق درحد مقدور به دامنه های تأثیر فتوای مکارم شیرازی دراحوالات حقوقی جمهوری اسلامی بپردازد که باعنوان این مقوله که دستآوردهاست نزدیکی داشته باشد.

توجه فتوای مکارم شیرازی

توجه و هدف فتوای مکارم شیرازی شخص شیخ حسن است؛ که از نظر حقوق سیاسی رئیس و رهبر جمهوری اسلامی است یعنی جمهوری اسلامی دارای دو رهبر است یکی انتخابی بنام رئیس جمهور و یکی انتصابی که ولی فقیه است. در همه کشورهای جمهوری دنیا رئیس جمهور رهبر کشور شناخته میشود.

مفهوم و تأثیر فتوای مزبور نسبت به موقعیت حقوق سیاسی شیخ حسن این است که شیخ حسن علیرغم هرچند میلیون رای که داشته است رهبر جمهوری اسلامی نیست و ول معطل است؛ و آن میلیون نفری هم که به او رای داده اند، نادان (آیه قرآن) فاسق (آیه قرآن) بی عقل و خرد (آیه قرآن) هستند و رهبر فقط سید علی است که کم و بیش با این شعار هم آشنا هستیم.

اگر فتوا برای بیست و چند میلیون رای مردم کوچکترین اعتباری برای انتخاب رهبر قائل نشده و اجد این مفهوم است که اسلام رای دهندگان را آدم صاحب حق و حقوق سیاسی نمیشناسد و الا انتخابات و شرکت در آن اولین و ساده ترین پایگاه تعلق حقوق سیاسی به افراد است و از آنجا که اسلام قائل به حق حاکمیت مردم نیست و نیز مردم را جاهل و نادان میداند به همان جهات است که اصولاً حق حاکمیت به مردم بطورکلی نداده است.

✻ اگر در سال ۸۸ شعار (رای من کو) گویائی خاصی داشت با فتوای مکارم شیرازی و حقیقتی که در مقابل ما قرار گرفته شعارحقیقی مردم میتواند **ادم شناخته شدن** بودن باشد چراکه انسان بدون حق، نه تنها آدم نیست که حیوان هم شناخته نمیشود، **آن خانم هائی که با آن حرارت به آرای خود نازیدند اکنون باید توجیه شوند که درکجای کار قرار دارند آنها باید درک کنند که در جامعه سیاسی جمهوری اسلامی (هیچ) تشریف دارند.**

تأثیر فتوا نسبت به رای دهندگان

فتوای مکارم که درست در بیان آیات قرآن و سنت اسلامی است همانطور که نسبت به موقعیت شیخ حسن و رهبری او ایجاد تأثیر میکند نسبت به رای دهندگان هم اثرات احساسی و مادی دارد.

نخست اهانتی غیرقابل جبران است که ۲۸ میلیون ایرانی رای و نظرشان از اهمیت پرکاهی هم کمتر شناخته شود چنین امری برای یک ملت هر قدر با دانش سیاسی کم قابل تحمل نیست از یکسو مردم را تشویق به مشارکت در انتخابات کردن و فتوا دادن که هر که در انتخابات شرکت نکند به جهنم میرود و از سوی دیگر به رای آنها در انتخاب رهبر (= رئیس جمهور) اعتنائی قائل نشدن و آنرا هیچ پنداشتن و اعلام عام کردن موضوع، که هر چه باشد با منافع ملی یک کشور و شرافت آن ملت سر و کار حساس و قطعی دارد از آن صیغه هائی است که در جهان بیسابقه است.

این درحالی است که ظرفیت ۲۸ میلیون رای قادر است تنها با آب دهان، سیلی براه بیاندازد که براستی سیل باشد و همه خش و خاشاک ها را از میان بردارد.

تأثیر فتوا در موقعیت شیخ حسن

تأثیر فتوای مزبور نسبت به موقعیت شیخ حسن تنها متوجه موقعیت حقوقی و اداری او نیست متوجه شخصیت فردی او هم هست یعنی کسی که بدرستی و یا غیردرستی مورد اعتماد ۲۸ میلیون ایرانی برای ریاست جمهوری قرار گرفته و تحصیل رای نموده آنقدر بی عرضه و نالایق است که در مقابل تعرض یک آخوند نمیتواند حرمت دار رای مردم گردد و شاید هم خود شیخ حسن میدانند که شرعا و قانونا مشروعیتی ندارد صدایش درنمیآید.

زمان صدور فتوای مزبور

از آنجا که فتوای مزبور بازگویی آیات قرآن است و امری تازه نیست و همواره میتوانست جریان یابد اما این سوال مطرح است که چرا این روزها این فتوا صادر شده آنهم از جانب یکی از مراجع ذی نفوذ و تابع سید علی و در کلامی دیگر سالهای سال است که جمهوری اسلامی با دو رهبر یکی ولی فقیه و دیگری با عنوان رئیس جمهور منتخب مردم اداره میشود و خبری از فتوای مزبور نبود.

ضرب المثلی است که میگویند دو درویش در گلیمی بخشند و دو حاکم (پادشاه) در اقلیمی ننگند. همچنین گفته شده «وقتی دریا آرام است همه ناخدا هستند ولی وقتی طوفان میشود کشتی بیک ناخدا نیاز دارد».

نشان از طوفان

موقعیت سیاسی ایران نشان از طوفان دارد طوفانی که شیخ حسن میخواهد کشتی را به طوفان بسپارد و تسلیم آن جریان بین المللی بشود و سیدعلی نمیخواهد به این سادگی تسلیم گردد؛ میخواهد که بالاخره براه تسلیم برود ولی با دستآورد هائی که چندان آسان نیست؛ از جمله موافقت ماندن در قدرت که با خواست آمریکا نزدیک نیست. شیخ حسن دوسه روز قبل گفت: <دراز کردن دست دوستی به دشمن شجاعت میخواهد یعنی سید علی وهمفکرانش که با دوستی آمریکا مخالفند ترسو و نامرد هستند؛ این اظهارات شیخ حسن که متعاقب آن فتوای مزبور صادر شده وهمزمان هم فرمان آتش به اختیار از سوی خامنه ای داده شده نشان از آن است که جمهوری اسلامی نمیخواهد ونمیتواند در طوفانهای پیش رو با دو رهبر کشتیرانی کند و ولی فقیه میخواهد رهبر تشریفاتی یعنی رئیس جمهور را خلع قدرت نماید.

فرمان آتش به اختیار

فتوای مکارم شیرازی درکنارفتوای آتش به اختیار، ملغمه ای از قدرت شیطانی میشود وهیچیک یعنی نه فتوای مزبور ونه فرمان آتش به اختیار، به تنهایی نه قابل اجراست ونه مستعد به اجرا.

توضیح اینکه فتوا حکم است واجرای آن با فتوا دهنده نیست (درتاریخ ایران بکرات مراجعی بوده اند مانند آخوند رشتی که خود فتوا میداده وخود اوهم حکم قتل را اجرا میکرده ولی همواره این عمل مورد اعتراض بوده واجرای فتوا را برعهده حاکم میدانستند نه فتوا دهنده).

بنابراین مجری فتوای مکارم شیرازی کسی نیست جز خامنه ای و خامنه ای هم این اختیارات خود را با فرمان آتش به اختیار به فرماندهان سپاه و دیگر فرماندهان تحت فرمان خودش واگذار کرده است؛ و تنها خودش به بیانات مطالبی که درتائید آتش به اختیار و مخالفت با شیخ حسن باشد اکتفا کرده و میکند تارعیایت مصونیت را کرده باشد.

دستآوردها

نخست از نظر جهانی

کشورهای جهان خاصه سازمان ملل با توجه به موقعیت حقوقی دولت شیخ حسن که صفر اعلام و انتخاب او بعنوان رئیس جمهوری ایران فاقد اعتبار و مشروعیت شناخته شده است؛ چگونه بخود اجازه میدهند که با شیخ حسن ودولت او مذاکره وقرارهای سیاسی واقتصادی بگذارند ویا با آن تعامل سیاسی ویا احتمالا به اقدامات نظامی دست بزنند. آیا به دور از احتیاط است که تاثیر منفی این اعلامات را در برجام ونفش تصویب آن بوسیله همان رئیس جمهوری که انتخابش شرعی نبوده مورد توجه قرار نگیرد؟

آیا مضحک و فریبنده نیست که کشوری عضو سازمان ملل باشد ورئیس جمهور آن کشور نماینده برای سازمان ملل تعیین کند درحالیکه خود آن رئیس جمهور فاقد مشروعیت است و اعتباری به آرای مردم داده نمیشود؟

شک محکوم

ممکن است گفته شود که انتخاب رئیس جمهوری ایران براساس قانون اساسی صورت گرفته است و ارتباطی با فتوا و غیره ندارد؛ این برداشت کاملاً نادرست است زیرا مبانی حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی قرآن و سنت است و همان قرآن است که قائل به انتخاب رهبر و رئیس جمهور از ناحیه مردم از طریق انتخابات نیست و رئیس جمهوری را مقامی معتبر و شرعی نمیداند.

دوم از نظر شخصیت و حقوق داخلی

✱✱ نخستین و با اهمیت ترین تأثیر فتوای مزبور متوجه شخصیت حقوقی جمهوری اسلامی است که آنرا فاقد مشروعیت میسازد و این مطلب همان است که سنگرهای متعددی و همچنین در تحریراتی راجع به فقدان مشروعیت قانونی و شرعی جمهوری اسلامی گفتگو و ارائه دلیل شده است، و این اولین بار است که اعلام سنگر درباره عدم مشروعیت جمهوری اسلامی از سوی یکی از مراجع تقلید نزدیک به جمهوری اسلامی تأیید میگردد.

تأثیر در همه یرسی سال ۵۸

✱✱ وقتی انتخاب حاکم (جمهوری اسلامی) با مردم نباشد، که نیست و علت آنرا هم قرآن دقیقاً بیان کرده و مراجعه به اکثریت مردم را موجب گمراهی دانسته، معنای آن این است که هر تصمیم و تحولی که از مسیر انتخابات و رای مردم تحصیل گردد خلاف شرع و فاقد مشروعیت است؛ و این درست در عین اینکه با فتوای مکارم شیرازی همخوانی دارد اثر مهم حقوقی آن متوجه همه یرسی سال ۱۳۵۸ است که جمهوری اسلامی به اعتبار آن یعنی به اعتبار چیزی که قرآن آنرا فاقد مشروعیت میداند قائل به مشروعیت خود شده است. (رفراندم)

در تطبیق مورد میتوان گفت همانطور که خمینی رفراندم انقلاب شاه و ملت را خلاف اسلام دانست رفراندم سال ۵۸ هم رفراندمی بود که قرآن نه تنها مجوزی برای آن نداشت که انسانها را از توسل به آن برحذر داشته است.

تأثیر در تداوم سلطنت

✱✱ از آنجا که حسب آیات قرآن سلطنت را خداوند بهرکس که بخواهد میدهد (قانون اساسی مشروطیت هم این الهام را رعایت کرده است) و از آنجا که طبق فتوای مکارم شیرازی و آیات قرآن مردم صلاحیت انتخاب رهبر را ندارند لذا مردم در جریان شورش ۵۷ حق نداشته اند به حریم سلطنت و رهبری شاه که مفضحه حق خداست دخالت کنند و پادشاه و کشورایران رابه جمهوری که ریشه تأیید در اسلام ندارد جایگزین بنمایند که کرده اند.

تأثیر در تصمیمات شیخ حسن

❁ تمام تصمیمات شیخ حسن روحانی تحت عنوان رئیس جمهور ایران باطل است؛ زیرا سند صلاحیت او انتخاباتی است که قرآن آن سند را باطل و شخص ناصر مکارم شیرازی هم که یک پایگاه شرعی جمهوری اسلامی است آنرا بی اثر دانسته است.

سوء برداشت نشود

❁ سوء برداشت نشود، درست است که حکم انتخاب رئیس جمهوری باید به امضای ولی فقیه برسد و بظاهر ممکن است چنین تصور شود که رئیس جمهور از سوی ولی فقیه انتخاب و منصوب میشود و یا اینکه تصمیم شورای نگهبان را حمل بر انتخاب ضمنی رئیس جمهوری از طرف ولی فقیه دانست و در نهایت به این مرحله از قضاوت رسید که رئیس جمهوری در ایران یک کارمند و خدومه ولی فقیه است ولی این چنین برداشتی درست نیست؛ زیرا صلاحیت انتخاب رئیس جمهور از سوی آرای اکثریت است و تا آن اکثریت آنها با انتخاباتی که شرعا فاقد مشروعیت است حاصل نشود امر ورود ولی فقیه به تائید آن ضرورتی پیدا نمیکند و در کلامی دیگر طبق مندرجات قانون اساسی جمهوری اسلامی، بین انتخابات ریاست جمهوری و سمت ریاست جمهوری، رابطه لازم و ملزومی و سبب و مسبب وجود دارد.

وقتی شرع امری را باطل و یا نهی میکند نمیتوان با کلاه شرعی سر شرع را شیره مالید و گفت درست است که مردم به شیخ حسن رای داده اند ولی این رای بیحاصل است مگر اینکه ولی فقیه آنرا تائید کند. مسئله بی حاصل بودن آرای شیخ حسن امری است که با تذکرات قرآن همراه است و حرکت در راه انتخابات ریاست جمهوری از همان ابتدای فکر آن، در یک نظام اسلامی حرکت نامشروع بوده و هست و حرکت نامشروع هم تا ابد ادامه یابد مشروع نمیشود و هیچکس هم نمیتواند حرکت نامشروع را مشروع سازد.

❁ همچنین نمیتوان گفت که رئیس جمهوری در فرقه تبهکار منصوب و کارمند ولی فقیه است، زیرا بانگاه به اختیارات ولی فقیه و رئیس جمهوری متوجه میشویم که جریان اختیارات رئیس جمهور و ولی فقیه متفاوت و احصاء شده است و هر یک مستقلاً عمل میکنند و این امر در رابطه رئیس و مرنوسی و انتصاب افراد ممکن الوقوع نیست یعنی کسی که در امری اختیار قانونی ندارد نمیتواند تعیین متصدی کند.

آیا تنفیذ عمل روحانی وارد است؟

❁ آیا میتوان گفت که آثار عمل شیخ حسن همانند اقدامات فضولی در حقوق مدنی است، یعنی در صورتی که ولی فقیه آنها را تنفیذ کرد واجد مشروعیت میشود؟ در امور حقوقی و معاملات این قبیل تنفیذ ها نسبت به معاملات هست ولی تنفیذ نسبت به عمل غیر شرعی سابقه ندارد. از آنجا که در جوامع اسلامی هر عملی که صورت میگیرد باید با اجازه رهبر و ولی فقیه باشد ولی گاه مواردی پیدا میشود که افراد ذی صلاح بنابر مراتب لزوم و حفظ منافع اقداماتی میکنند که آن اقدامات ممکن است به تنفیذ رهبر ضرورت داشته باشد ولی مسئله انتخابات و رای اکثریت در انتخاب رئیس جمهور از موارد نهی شدید قرآن است؛

و مناهای دینی و شرعی را رهبر نمیتواند تنفیذ کند بلکه رهبر نخستین کسی است که باید مانع هرگونه انتخابات در جمهوری اسلامی بشود.

کلیت تأثیر

❁ باورود مسئله عدم مشروعیت انتخابات در جمهوری فرقه تبهکار با معضل حقوقی مهمی روبرو میشود و آن ماهیت کلیه تصمیمات شیخ حسن و هیات وزیران اوست، این معضل از آنجا بوجود آمده که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تصمیماتی که از مرجع فاقد مشروعیت اتخاذ شود قائل به اعتبار نیست بنابراین در حالیکه شیخ حسن دارای مشروعیت حکمرانی نیست و انتخاب او از طریق انتخابات است که اسلام قائل به مشروعیت برای آن نیست نمیتوان به سادگی از سنگینی و فشار عدم مشروعیت تصمیمات متخذه شیخ حسن در امان ماند.

❁ مهم این است که با صدور فتوای اخیر مکارم شیرازی، فتوای مزبور بصورت حکمی است که میتواند و باید به اعتبار آن (اعتبار آن ناشی از صراحت قرآن است) باید جلوی اقدامات شیخ حسن را کاملاً سد کرد؛ زیرا از تاریخ صدور فتوا، امر اجرای فتوا بر همگان واجب میگردد و این موردی است که فرمان آتش به اختیار امکان فراگیری اجرای آنرا فراهم ساخته است.

❁ فرصت را مناسب دانسته این موفقیت، یعنی موضوع عدم مشروعیت جمهوری اسلامی که همواره مورد اعلام ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی بوده است مورد تأیید یکی از مقامات مهم مذهبی نزدیک به حکومت غاصب ایران قرار گرفته است رابه ایرانیان یاد آوری میشود.